

## افسانه‌های یهودی و خطر بزرگ

### بخش چهارم

#### افسانه یهودی و خطر جایگزینی متن با تفسیر

یکی از بهانه‌هایی که برخی ابراز می‌کنند این است که تلمود، اجرای شفاهی شریعت موسی است؛ گویی یک متن مکتوب متأخر می‌تواند در مقام توضیحی الزام‌آور و مرجع تفسیری یک متن مکتوب الهام‌شده قرار گیرد. پرسش بنیادین این است:

آیا منطقی است که متنی غیر الهامی، داور نهایی تفسیر متن الهامی کتاب مقدس باشد؟

کتاب مقدس هرگز چنین منطقی را نمی‌پذیرد. در منطق کتاب مقدسی، اقتدار، همواره از متن الهامی آغاز می‌شود و هر تعلیم، سنت یا تفسیر باید در برابر آن سنجیده شود؛ نه هم‌سنگ آن و نه بالاتر از آن.

#### ۱. ریشه انحراف: جایگزینی کلام با سنت

عیسی مسیح این خطر را به‌صراحت افشا می‌کند:

«بدین‌گونه کلام خدا را به‌خاطر سنت خود باطل ساخته‌اید» (متی ۱۵: ۶).

مشکل، وجود توضیح یا تعلیم نبود؛ مشکل آنجا آغاز شد که سنت، جای داوری متن را گرفت. همین منطبق بود که بخشی از یهودیت سده نخست را به بیراهه کشاند؛ منطقی که بعدها، با همان روح، در قالب‌های تازه وارد مسیحیت شد. انسان‌ها می‌میرند، اما روح‌ها باقی می‌مانند (۲ قرن‌تیاں ۱۱: ۳-۴)؛ روحی که یک‌بار کلام را زیر سنت دفن کرد، بار دیگر همان الگو را تکرار می‌کند.

لازم به تأکید است که مسئله، وجود سنت یا آموزش نیست، بلکه جایگزین‌شدن سنت با اقتدار متن الهامی است.

#### معیار خادم حقیقی: وفاداری به کلام حقیقت

روح القدس در رازگهان، آیه‌ای کلیدی را یادآوری می‌کند که قلب این بحث را روشن می‌سازد:

«باید محکم به کلام امین، مطابق تعلیم، متمسک باشد تا قادر گردد هم به تعلیم صحیح تشویق کند و هم مخالفان را ملزم سازد» (تیطس ۱: ۹).

پولس معیار خادم حقیقی را شفاف بیان می‌کند:

نه اتکا به سنت، نه وابستگی صرف به ساختار آموزشی، بلکه چسبیدن محکم به کلام حقیقت.

بر همین اصل در جای دیگر چنین تأکید می‌شود:

«تمامی کتب از الهام خداست... تا مرد خدا کامل گردد و برای هر عمل نیکو کاملاً آماده شود» (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

## 1. مسح و آموزش: تمایز ضروری

کتاب مقدس تعلیم را رد نمی‌کند، اما هرگز اجازه نمی‌دهد تعلیم جایگزین مسح شود. یوحنا رسول می‌نویسد:

«و اما شما مسیحی دارید که از قدوس است» (۱ یوحنا ۲: ۲۰)،

و نیز:

«همان مسح شما را درباره همه چیز تعلیم می‌دهد» (۱ یوحنا ۲: ۲۷).

در تاریخ کلیسا، هر جا مسح به حاشیه رانده شد، خلأ آن با مدرک، ساختار و نهاد پر گردید. مدارس و دانشگاه‌های الهیاتی که می‌توانستند ابزار خدمت باشند، در برخی دوره‌ها به مرجع نهایی اقتدار، بدل شدند. این همان الگویی است که پیش‌تر در یهودیت ربانی دیده شد؛ جریانی که پس از ویرانی معبد (۷۰ میلادی) به تدریج مدون شد و نهایتاً در قالب میثنا و سپس تلمود تثبیت گردید. مسئله نه آموزش، بلکه جایجایی مرجع اقتدار بود.

## 2. ثمره مسح واقعی

خادم واقعاً مسح‌شده:

- کلام را درست تقسیم می‌کند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵)،
- در پرسش‌های دشوار و پیچ‌های الهیاتی گرفتار نمی‌شود،
- و اقتدار خدمتش از دعوت الهی می‌آید، نه از جایگاه انسانی.

چنان‌که پولس می‌گوید:

«شایستگی ما از خداست» (۲ قرنتیان ۳: ۵)،

و نیز:

«آنکه ما را در مسیح استوار می‌سازد و ما را مسح کرده است، خداست» (۲ قرنتیان ۱: ۲۱).

از این رو تأکید من بر دعوت‌های واقعی از جانب خداست. کلیسا بیش از هر زمان دیگر، نه به سنت‌های بیرون از متن، و نه به اقتدارهای جایگزین، بلکه به خادمی نیاز دارد که محکم به کلام حقیقت چسبیده‌اند و زیر مسح روح القدس خدمت می‌کنند.

هر سنتی که متن الهامی را بی‌اثر سازد هرچند کهن، مدون یا آکادمیک جلوه کند، در نهایت زیر داوری همان کلام قرار خواهد گرفت.